

روشن روان، هرمرزان پایه گذار تقویم هجری، ابن مقفع، فضل بن سهل سرخسی، حلاج، حسنک وزیر، شهاب الدین یحیی سهروردی، میرعماد، قائم مقام، امیرکبیر، میرزا جهانگیرخان شیرازی، میرزاده عشقی و... (فرستنده: بیژن تلیانی)

پند پدر؛ محسن بیگدلی (جلایی)، تهران، بی نا، ۱۳۵۳، با مقدمه ها و تقریظهایی از حسین وفاپی، نیرالدین دادگستر، کمال زین الدین، تقی سخن پرور (دیبا)، احمد نیکوهمت، حسین معادی، سیدحسین امین، احمد شریعتی (بیدار)، کاظم ارجمند بیگدلی. نمونه ی شعر:

پندی ست مرا، علی اکبر / آویزه ی گوش کن چو گوهر / هرچند که تلخ آیدت پند / گر گوش کنی بود به از قند

حقوق و اجتماع

پرسه ای دیگر؛ احمد داداشی، ساری، انتشارات پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۳، ۴۹۲ ص.

انرژی اتمی و موازین حقوقی؛ دکتر پرویز نوین، تهران، انتشارات تدریس، ۱۳۸۵.

دین

مقدمه بی بر ترجمه ی قرآن؛ تقریرات یکی از عالمان شیعه (از شاگردان علامه طباطبایی)، تهران، بی نا، ۱۳۸۵، ۶۰۵ ص.

در «پیش درآمد» این کتاب عمیق که نام صاحب اصلی و گردآورنده ی آن معلوم نشده است، چنین می خوانیم: «در این که قرآن متن بی مانندی ست، تردید نمی توان کرد. زیرا هیچ متنی به اندازه ی آن در طول تاریخ مورد توجه، توضیح و تفسیر قرار نگرفته و متن قرآن حد اقل از این جهت خاص برتر از تمامی متون بازمانده ی تاریخ به شمار می رود. میزان وسیع کوشش های توضیح مدارانه و تفسیرگونه در جهت بازنمایی محتوای این کتاب مقدس، گواه این مدعاست. نوشته هایی که به دست هزاران نفر در طول تاریخ به تحریر آمده و حجم پاره یی از آن ها تا ده ها برابر متن اصلی قرآن است. با این همه، پدیده ی شگفت انگیز آن است که نیاز به این توضیحات هرگز به پایان نرسیده و همواره تمامی سطوح جامعه، محتاج بیانات دقیق تر و روشن تری در مورد آن است و این نیاز به صورت روزافزونی در حال رشد و تعالی بوده و هست که به هیچ وجه پدیده یی متعارف نیست.

البته گذشته از محتوای کوشش های به عمل آمده که در مورد آن به تفصیل سخن خواهیم گفت، این اقبال و توجه بی نظیر را بی گمان عوامل و علل گوناگونی ست که در جای خود، می تواند موضوعی برای تحقیقاتی از این دست قرار گیرد.

اما محور جست و جوی های این بحث نکته یی ست که با توجه به این اقبال بی نظیر نسبت به قرآن بسیار شگفت انگیز جلوه می کند؛ و آن خالی بودن این توضیحات انبوه از هر نکته ی راه گشا و محوری در مورد اصل این کتاب است! تا جایی که می توان ادعا کرد که گویی در طول



حافظ از ناشران، نویسندگان و علاقه مندانی که بخواهند کتاب هایشان در بخش تازه های کتاب معرفی شود، دعوت می کند که دو نسخه از کتاب مورد علاقه ی خود را به نشانی «تهران - تقاطع فلسطین و انقلاب ساختمان مهر - شماره ی ۲ - کدپستی ۱۴۱۶۸ - دفتر ماهنامه ی حافظ» ارسال نمایند.

مهندس حجّت حیدری

ادبیات

دانش نامه ی زبان و ادب فارسی در شبه قاره؛ جلد اول (از: آبروتونکی تا: ایوب ماوراءالنهری)، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شورای علمی: حسن حبیبی، غلام علی حداد عادل، احمد سمیعی گیلانی، علی اشرف صادقی، مهدی محقق، علی محمد موذنی، تهران، فرهنگستان، ۱۳۸۴، ۷۳۹ ص.

شهیدان قلم و اندیشه؛ عبدالرفیع حقیقت «رفیع»، چاپ اول، جلد اول، تهران، انتشارات کومش، ۱۳۷۸، ۶۲۴ ص.

همیشه برای اندیشمندان این پرسش مطرح است که چرا انسان برای مقابله با ارائه ی فکری نو هرچند نامأنوس باشد به مباحثه ی عادلانه و تطبیق منصفانه و استدلال بی غرضانه نمی پردازد و فکر را با فکر پاسخ نمی دهد؟! و از بیم محکوم شدن زورمندانه با آن مقابله کرده و در مقابل ارائه ی فکری نو هرچند مصلحانه و خدایسندانه و مردم گرایانه باشد، ایستادگی جاهلانه نموده و سرانجام ضمن به کار بردن انواع حيله ها با کشتن صاحب فکر طرف مقابل می خواهد حقانیت ظاهری خود را به ثبوت رساند؟! به همین جهت آزاداندیشان و صاحبان قلم، هیچ گاه تحت تاثیر زر و زور و قدرت قرار نگرفته و در ابراز عقیده و آرمان والای خود هیچ گونه بیم و هراسی به خود راه نداده و نمی دهند. نوشتار حاضر سرگذشت آزادمردانی می باشد که راه آزادی اندیشه و قلم در مقابل زر و زور ایستادگی کرده و نهال آزادی را بارورتر کردند. جلد اول حاوی سرگذشت مردانی از کهن ترین زمان تاریخی تا سال ۱۳۲۰ می باشد. مردانی چون: آشو زرتشت نخستین مبشر نیکی و رادی، مانی نویسنده و هنرمند نامی ایران باستان، مزدک

تاریخ تنها عده‌یی در سطح الفاظ با مفردات آیات و تعبیر قرآن مواج شده و علاوه بر آن همین حدّ از رویارویی را برای دریافت ساحت معانی آن نیز کافی دانسته‌اند.

سعی این گروه از آن‌جا که تنها به تبیین معانی الفاظ قرآن، آن‌هم تنها با عنایت به معانی روزمره‌ی واژه‌ها منحصرگردیده، توجه آنان را غالباً به سطح ادبیات فخیم آن معطوف داشته و در نتیجه سبب شده تا هرگز در پی دریافت عمق معانی و خودبه‌خود درصدد تحلیل و تبیین ماهیت خاستگاه دست‌نیافتنی آن نباشند! زیر علی‌رغم این حجم از کوشش مستمر و بی‌امان و حتا مکرر و گاه غیر لازم، ابتدایی‌ترین پرسش‌ها و محوری‌ترین نکات پیرامون قرآن در این گفت‌وگوها غایب است و در هیچ تبیین و تحقیقی اعم از شفاهی یا کتبی نه تنها به آن‌ها توجه نشده، بلکه در خلال بحث‌های انجام گرفته به این عدم اعتنا یا غفلت حتا اشاره‌یی هم نرفته که سخن شگفت‌انگیز است و مستقلاً نیازمند بررسی‌های اساسی است.

و این در حالی است که پاسخ‌گویی به آن پرسش‌ها از نظر منطقی پیش‌نیاز هر بحث اصولی درباره‌ی این کتاب مقدس بوده و هست. و بدون پاسخ بدان‌ها امکان برداشتن هیچ نوع گامی در راه شناخت قرآن به گونه‌یی بالغانه و جدی وجود ندارد.

نکته‌ی سخت دور از ذهن مورد پرسش‌های یاد شده آن است که عدم طرح آن‌ها به هیچ وجه به دلیل پیچیدگی یا عمق آن‌ها نبوده و در غالب موارد، در عین آن که سخت ابتدایی و مقدماتی بوده و هست؛ مع الوصف مورد توجه قرار نگرفته‌اند و این نیز در جای خود پدیده‌یی غریب و پرسش‌انگیز است.

بنابر این اگر ادعا شود تاکنون در مورد قرآن سخن بلند و بالغانه‌یی به زبان توضیح‌دهندگان آن نیامده گزاف نیست و اگر ملاحظه می‌شود، هم‌چنان نیاز مبرمی به توضیحات جدید در مورد قرآن وجود دارد و آن‌چه تاکنون نوشته یا گفته شده اشباع‌کننده‌ی اندیشه‌ی مردمان در این راه نبوده، علت آن چیزی جز برخوردهای سطحی و لفظ‌پردازانه‌ی با محتوای این کتاب مقدس نبوده است...» (صص ۱۹-۲۰)

تفسیر سوره‌ی یس (یاسین): قلب قرآن؛ آیت‌الله سیدمحمد امین، کاشان، حسینیه‌ی آیت‌الله امامت کاشانی، مجمع متوسلین به آل محمد، کاشان، به اهتمام اسدالله مرادی بروجردی، ۱۳۸۵، ۳۰۴ ص. در صفحه‌ی ۴۰ این کتاب، چنین می‌خوانیم:

«سوره‌ی «یس» از چنان اهمیتی در میان سور قرآن برخوردار است که به عنوان «قلب قرآن» نام‌گذاری شده است.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «ان لكل شیء قلباً و قلب القرآن یس» (تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۳۷۳، ح ۵)

هر چیزی قلبی دارد، قلب قرآن، سوره‌ی مبارکه‌ی یس است. چنان‌که در حدیث آمده است قلب کعبه «حجرالاسود» است. قلب منشا حیات است. قلب انسان باید با قلب قرآن پیوند زده شود تا انسان قرآنی شود و کمال یابد. هر کس حیات طیبه می‌جوید، باید به سوره‌ی یس که جامع معارف الهی‌ست، اهتمام ورزد.

وجود نورانی رسول خاتم، قلب عالم امکان است و او یاسین است. پس او قلب قرآن است. قرآن بر قلب پیامبر (ص) نازل شده است. پس عالم وجود از فیض او بهره می‌گیرد. امروز فرزند یاسین، مهدی موعود چنین نقشی ایفا می‌کند.

سوره‌ی «یس» نام‌های متعدد دارد که دانستن آن‌ها ما را در دست‌یابی به آثار مساعدت می‌کند. «و تسمى الدافعة و القاضية، تدفع عين صاحبها كل سوء و تقضى له كل حاجة». (نورالتقلین، ج ۴، ص ۳۷۳، ح ۴- بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۹۱)

یکی از نام‌ها این سوره «قاضیه» است. وجه تسمیه‌ی این سوره به «قاضیه» این است که تلاوت این سوره خصوصاً مداومت داشتن بر قرائت این سوره موجب برآورده‌شدن حاجات دنیوی و اخروی انسان می‌شود. این که ما دعا می‌کنیم: «اقض حاجاتنا» به همین معناست. پس از آن جهت این سوره را «قاضیه» گفته‌اند که موجب می‌شود حوائج افراد به برکت تلاوت این سوره برآورده شود.

نام دیگر این سوره «دافعه» است. وجه تسمیه‌ی آن سوره به «دافعه» عبارت است از این که اهتمام به تلاوت این سوره موجب می‌شود آفات و بلاهای ارضی و سماوی و هم‌چنین مهالک دنیوی و اخروی از انسان دفع بشود. (صص ۴۰-۴۱)

گلبرگ‌های حسینی؛ ۱۲۸ نکته در ارتباط با امام حسین، به اهتمام محمد مطهر، قم، انتشارات اتقان، ۱۳۸۱، ۲۶۴ ص.

در این کتاب مخمس زیر اثر علامه سید محمدحسین طباطبایی صاحب تفسیر المیزان در تضمین غزل حافظ چاپ شده است:

گفت هرچند عطش کنده بن و بنیادم

زیر شمشیرم و در دام بلا افتادم

هدف تیرم و چون فاخته پر بگشادم

«فاش می‌گویم و از گفته‌ی خود دل شادم»

«بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم»

من به میدان بلا روز ازل بودم طاق

کشته‌ی یارم و با هستی او بسته وثاق

من دل رفته کجا و تو کجا دشت عراق؟! «طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق»

«که در این دامگه حادثه چون افتادم؟! «لوحه‌ی سینه‌ی من گر شکند سمّ ستور

ور سرم سیر کند، شهر به شهر از ره دور

باک نبود که مرا نیست به‌جز عشق حضور

«سایه‌ی طوبی و غلمان و قصور و قد حور»

«به هوای سر کوی تو برفت از یادم»

تا در این بزم بتابید مه طلعت یار

من کنم خون دل و یار کند تیر نثار

پرده بدریده سرگرم به دیدار نگار

«نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار»

«چه کنم؟ حرف دگر یاد نداد اُستادم!»

شعر و شاعری

مهتاب: سید محمود خانمی، انتشارات ارمغان سالمی، ۱۳۸۵، ۱۷۶ ص. نمونه‌ی شعر: گر رود روح من و این تن بی‌جان تو مرو / چون تو بر پیکر بی‌جان منی جان، تو مرو / ماه اگر رفت پس ابر و دگر بازنگشت / عشق من ای رخ تو چون مه تابان تو مرو.

ساز ناکوک زمانه: فرزانه برومند، تهران، انتشارات آرون، ۱۳۸۵، ۶۳ ص. نمونه‌ی شعر: یادِ اون قدیما، اون وقتا به خیر / یادِ اون روزا و اون شب‌ها به خیر / آدما هم دل و هم‌زبون بودن / همه‌شون ساده و مهربون بودن / شبای تابستون و زمستونا / همگی جمع می‌شدیم تو خونه‌ها / آقاجون کنج اتاق نشسته بود / به نماز و به دعا دل بسته بود...

بر سمند بادپای: سیداصغر شمس‌الواعظین همدانی، تهران، انتشارات مفتون همدانی، ۱۳۷۵، ۲۲۴ ص. نمونه‌ی شعر: دیگر امید رفتن میخانه هم که نیست / دور شراب و گردش پیمانان هم که نیست

از پرنده‌ها یاد بگیریم: مجموعه‌ی شعری از نقی اصغری (فرهاد) و محمد احمدی معافی، رشت، انتشارات پیام فرهنگ، ۱۳۸۴، ۱۲۱ ص.

نمونه‌ی شعر نقی اصغری، شعر «امانت‌دار حافظ» (برای پروفیسور سیدحسن امین) که در صفحه‌ی ۲۹ این مجموعه آمده است و قبلاً در **حافظ** شماره‌ی ۱۰ چاپ شده، این هم نمونه‌ی دیگری.

گفتم ای خاک مرا خاک نباید بکنی
دل ماتم زده غمناک نباید بکنی
نکند کوزه بسازند ز اجزای تنم
جایگاه ثمر تاک نباید بکنی
آن قدر درد کشیدم ز بر سختی‌ها
راحتی را زمن امساک نباید بکنی

اما نمونه‌ی شعر محمد احمدی معافی که همه‌ی اشعارش به سبک نو است:
و عشق هم‌چنان زنده خواهد بود / حتا / اگر دنیا شود نابود.

شیرین تر از فرهاد: زهرا باقری، تهران، انتشارات جهان ایمان، ۱۳۸۲، ۱۲۸ ص.

هنوز قرمز پُرنگم: زهرا باقری و پریسا مقصودی، نیشابور، انتشارات شهر فیروزه، ۱۳۸۳، ۱۲۸ ص.

سومین دفتر شعر خانم باقری تحت عنوان **رگه‌های زیتونی عقیق** با مقدمه و ویراستاری بهروز وندادبان آماده چاپ است. نمونه‌ی شعر زهرا باقری:

به عشق روی تو از یاد می‌برم غم را
شناسنامه و اعداد و سن و سالم را
چه فرق دارد اگر چشم می‌شوند همه
به هم بریز کمی سرنوشت مبهم را

کهن یادگار: سعید بداعی، تهران، انتشارات فیروزه، ۱۳۷۸، ۲۹۰ ص. شامل شعرهای شاعر به پارسی و ترکی آذربایجانی. نمونه‌ی شعر فارسی:

سال‌ها پاره کرده‌ام جامه / خوانده‌ام گاهی از کسی نامه / چون گریزنده دانش‌آموزم / از حساب و کتاب و برنامه / نه ز اندیشه‌ام تراوش ناب / نه ز طبعم چکامه و چامه / سال و ماهی چنین که هرگز نیست / در خور بحث و دفتر و خامه / اینک از بعد شصت سال بود / بهر این بنده زندگی‌نامه.

یادگار ماندگار: سعید بداعی، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۴، ۳۹۵ ص.

این دومین دیوان از این شاعر دو زبانه (فارسی و ترکی آذربایجانی) است که در ۱۳۱۸ در ابهر به دنیا آمده در دانشگاه تربیت معلم در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی درس خوانده است.

باغ آفتاب: ایرج اصغری، یزد، انتشارات بهاباد، ۱۳۷۹، ۱۴۴ ص. نمونه‌ی شعر:

دوباره دلم گرفت، دل من چه تنگ شد
من و یک بغل سکوت، سکوتم شرنگ شد

نشریه‌های ادواری

اقتصاد و مردم (هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی): به مدیر مسوولی سیدنادر ادبی و سردبیری مصطفی بادکوبه‌ای (امید)، سال چهارم، شماره‌ی ۸۳، دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۸۵.

در صفحه‌ی ۴ این شماره، مصاحبه‌ی اختصاصی و مفصل با پروفیسور سیدحسن امین با عنوان «تیراژ کم‌مطبوعات و نشریات ماه، یک معضل فرهنگی‌ست» چاپ شده است.

محتشم (هفته‌نامه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی): به مدیر مسوولی مهندس غلامرضا عطوفی و سردبیری دکتر پرویز عطایی، سال اول، شماره‌ی هفتم، یکشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۸۵.

صفحه‌ی ششم این شماره، یادواره‌ی پروفیسور محمود حسابی (پدر فیزیک ایران) به قلم خانم نسرین کشاورز است و شامل چکیده‌ی سخن‌رانی‌های جمعی از سخنرانان مراسم بزرگداشت آن استاد بزرگ در مراسم ویژه‌ی او به شرح زیر: مهندس ایرج حسابی، پروفیسور حسن امین (سردبیر **حافظ**)، مهندس خاموشی (رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن کشور)، شاهین غازی‌بیات (فدراسیون نخبگان)، مهندس خلیل عمرانی (مشاور وزارت آموزش و پرورش)، دکتر اشعری (رییس کتاب‌خانه و اسناد ملی کشور)، علاء میرمحمد صادقی (رییس اتاق مشترک ایران و کانادا)، دکتر فرخی (یکی از شاگردان پروفیسور حسابی)، دکتر پرویز عطایی (سردبیر هفته‌نامه‌ی **محتشم**)، خانم معتمدی (عضو شورای شهر تهران)، حجت‌الاسلام سید جمال‌الدین دین‌پرور (رییس بنیاد نهج‌البلاغه)، آقای صفری (فرماندار تفرش) و...